

جنگ آلمان و شوروی

در اینجا باید توجه خود را به استالینگراد، که در این موقع سخت ترین و مهم ترین و قایع جنگی در آن جریان داشت معطوف سازیم.

قطعه زمین واقع بین رود دن، و ولگا، که باریکترین نقطه آن بچهل میل میرسد زمین مسطحی است که از لحاظ جاده فقیر میباشد. در جهت رود ولگا، زمین بتدریج بالا میرود و سپس با یک شیب تند بسوی مسیر رود سر ازیر میگردد.

در این قسمت گرفته ها و معابر عجیبی موسوم به «بالکا» (۱) که بطور نامنظمی تارود ولگا، ادامه دارد یافت میشود. در طول کرانه باختری رود ولگا، شهر صنعتی استالینگراد، واقعست. در سال ۱۹۱۹ این شهر موسوم به تساریتسین، (۲) و دارای ۱۰۰،۰۰۰ جمعیت بود. در این نقطه و در همین سال بود که نیروی شورشیان را مخاطب قرار داده آنانرا به پایداری در مقابل ارتش سفید که بسوی جنوب روسیه حمله مینمودند ترغیب نمود و از این لحاظ بود که این شهر استالینگراد، نامیده شد. در رژیم کمونیستی استالینگراد، بشرعت توسعه پیدا کرد و جمعیت آن به ۵۰۰،۰۰۰ نفر رسید. در قسمت شمالی شهر کارخانه های بزرگ صنعتی بنا و هریک از آنها با منازل متعدد کارگران احاطه شده است. برخی از صنایع استالینگراد، بزرگترین صنایع روسیه بشمار میرود و چون این شهر حاشیه باریکی بمرض ۱۲ میل در کرانه رود ولگا، را اشغال نموده لذا مانند اغلب شهر های جدید البنای آمریکائی بنظر میرسد با این تفاوت که ساختمان های آن قدری از هم مجزا و بعلاوه ابنیه منفرد در خارج شهر تا چندین میل ادامه دارد. رود ولگا،

که از شمال بجنوب در جریان و در قسمت خاوری شهر واقع است با آنکه دارای جزایر کوچکی است معهداً عرض آن در برخی از نقاط بدو میل میرسد و مانع بزرگی برای طرفین ایجاد مینماید.

در اینموقع آلمانها مشغول تمرکز دادن ۷۵۰،۰۰۰ نفر در قسمت خاوری رود دن، بودند و در عین حال دو گروه کامل هوایی برای حمله بشهر در اختیار داشتند فرماندهی ارتش آلمان شدت پایداری روسها را که یکی از بزرگترین مقاومتهای تاریخ بشمار میرود بهیچوجه در نظر نگرفته بود. دفاع شهر بمهدۀ ژنرال چیکف،^(۱) فرمانده ارتش شصت و دوم سرخ واگذار شده بود که هفت لشکر در اختیار داشت بدون شك عده زیاد دیگری بدفاع از شهر گماشته شده بودند با این وصف از لحاظ تعداد نمیتوانستند بهیچوجه با ارتش آلمان برابر نمایند. نیروی تقویتی روسها از کرانه راست رود ولگا، بدانها میرسید.

حملات اولیه آلمانها به استالینگراد، بطور خلاصه بقرار زیر صورت گرفت:

- عبور ارتش آلمان از خمیدگی رود دن، در ۲۱ و ۲۳ ماه اوت

و وقوع پیوست.

- در ۲۷ اوت آلمانها ادعا نمودند که در خارج شهر مشغول مبارزه میباشند.

- بمباران شهر در بیست و پنجم ماه آغاز گردید.

- از آغاز نبرد آلمانها در نظر داشتند که شهر را از دو طرف که منتهی بدو

کرانه رود ولگا، میشد محاصره نمایند.

- ابتدا بازوی جنوبی حلقه محاصره شروع بحرکت نمود و پس از عبور از

رود دن، در تسیملیانسکایا، بازوی راست حلقه مزبور بسوی «کتلنیکوو»

که در آن نبرد سختی بوقوع پیوست بحرکت درآمد.

- در عین حال آلمانها بحمله دیگری در قسمت شمال خاوری شهر

پرداختند.

- در دوم سپتامبر آلمانها ادعا نمودند که در قسمت شمالی شهر برود ولگا،

رسیده اند و نیروئی که بازوی جنوبی را تشکیل میداد سپس شروع بحمله نمود.



آخرین لحظه توقف اعلیحضرت همایونی در ایتالیا: بر سر مزار سرباز گمنام در رم



پښتونستان د علومو او کلتور د وزارت له خوا
پر تال جامع علوم انسانی

- در ۳۱ اوت آلمانها در فاصله پانزده میلی استالینگراد، قرار داشتند. در این موقع نوبت حمله نیروی مرکزی شد و این نبرد در چهارم سپتامبر به قسمتهای باختری خارج شهر رسید. سقوط شهر حتمی بنظر میرسید لکن تشکیلات دفاعی شهر آنقدر قوی بود که روسها در ۱۶ سپتامبر بوقوع جنگ در حوالی شهر اعتراف نمودند. از این تاریخ تا چهار هفته پی در پی کوچکترین ضعف و یا نقصانی در شدت حمله آلمانها ایجاد نگردید. نیروهای تازه دسته دسته بحمله پرداخته و پس از دادن تلفات زیاد فقط در صدیادویست متر خرابه پیشروی مینمودند و سپس جای خود را بگروه دیگری میدادند.

برجسته ترین و مهمترین واقعه این دفاع تاریخی بزرگ کمک کارگران و حتی زنان استالینگراد، بیادگان این شهر در پایداری و دفاع در مقابل نیروی مهاجم بود. هر کارخانه ای که مشغول تولید مهمات نبود بسته شد و هر بنائی بدزئی تبدیل گردید. منطقه خارج شهر از ستونهای بتون آرمه و از موانع و مینهای ضد آرا به مملو شده بود. آرا به های نیم ساخته از کارخانه خارج و در زمین طوری قرار داده شدند که فقط برج آنها بیرون بود و بدین ترتیب بدفاع میپرداختند.

روحیه مدافعین این شهر در نهایت درجه قوت بود و سربازان در حالیکه هزاران خطر آنها را از اطراف احاطه نموده بود بجنک ادامه میدادند و از بنائی بنیای دیگر متوسل میشدند. در هر نقطه شهر بلند گوها پیام مسکو، و سراسر روسیه را بگوش مدافعین میرسانیدند. در حالیکه عبارات: «سراسر جهان مواظب عملیات شماست، و یا چنانچه در پایداری و نیروی دفاعی شما کوچکترین ضعفی ایجاد گردد کشور شوروی شما مدافعین را فرزندان حقیقی خود نخواهد شناخت، در هوا طنین انداز بود هیچیک از جنگجویان از رشادتی که مورد نیاز و یا سرنوشتی که همگی بدان محکوم بودند کوچکترین صحبتی نمینمودند. همگی دریافته بودند که هر یک از آنها در تاریخ روسیه نقش بزرگی بر عهده داشتند و هیچیک از مرگ هراس نداشتند. از هر جا و هر نقطه ای که سربازان مدافع آمده بودند منزل و کلیه علائق خود را فراموش نموده و برای یک منظور و در لوای پرچم واحد در کمال رشادت تا آخرین لحظه حیات بجنک ادامه میدادند.

با چنین یادگانی که دارای روحیه‌ای بدین قوت و مدافعینی بدین رشادت بود شدت دفاع «استالینگراد» بنقطه‌ای رسید که آلمانها اعتراف نمودند که دیگر آهن و پولاد و مواد منفجره قادر بدر هم شکستن آن نیست. فرانسویها بدفاع از «وردن» می‌بالند و جمله مشهور «رد نخواهند شد» Ils ne passeront pas را بر زبان میرافند. لکن باید اعتراف نمود که اهمیت دفاع «وردن» بیشتر از لحاظ نظامی است و این شهر هرگز مانند «استالینگراد» مورد حمله نیروی فوق‌العاده قوی و بمبارانهای سخت هوایی قرار نگرفته است. دفاع «استالینگراد» را باید بیشتر از این لحاظ مهم دانست که معرف استحکام و قوت صفات و خصائص ملی روسهاست. در تاریخ نمیتوان بهیچوجه نظیر دفاع روسها را در «استالینگراد» پیدا نمود و هر گاه بخواهیم صفحات تاریخ را یک یک از نظر بگذرانیم و نظیری برای آن بیابیم باید بتاریخ قبل از میلاد مسیح مراجعه نموده و دفاع «ساگونوم»^(۱) را مورد توجه قرار دهیم. در اینجا اسپانیولیها از بین بردن خود و شهر را بتسلیم در مقابل دشمن ترجیح دادند.

بعد از آنکه آلمانها پس از عبور از رود «دن» به «استالینگراد» نزدیک شدند دفاع روسها بنهایت شدت رسید. در اطراف «کتلنیکوو» آلمانها از بادی که از باختر می‌وزید استفاده نموده و گیاههای خشک زمین را آتش زدند. در ۲۳ سپتامبر ۱۹۴۲ روزنامه «تسوریکه تسایتونگ» چنین نگاشت: «حرارت هر آن رویشدت مینهاد. باران جرقه و قطعات آتش بر روسها» «فرومیر بخت. پرده ضخیمی از دود و هوا بر خاسته بود و در پس آن واحدهای مأمور» «حمله آلمان بطرف خط دفاعی روسها پیشروی مینمودند. پرده دود بکه بوسیله» «باد بطرف خاور رانده میشد هر آن ضخیمتر میگرددید. در عرض هفته اخیر» «این قطعه از زمین از اجساد سربازان آلمانی، رومانی و روسی انباشته شده و» «همینکه شعله آتش بآنها میرسید اجساد را در بر گرفته بخاکستر تبدیل مینمود.» «حرارت آتش آنقدر شدت یافت که کلیه جویمازها را خشک نمود و سرانجام کار» «بجائی رسید که موقعیکه چشمه یا منبع آبی پیدا میشد رزم خونینی بر سر» «بدست آوردن آن بوقوع می‌پیوست.»

موقعیکه تاریکی شب فرا میرسید بیکار برای بدست آوردن آب آغاز میکردید.

تشنگی سخت طرفین را درشکنجه قرار داده بود و چاه آب بندرت پیدا میشد در تاریکی شب سربازان آلمانی درخواست آب مینمودند لکن روسها از سنگرهای خود با آتش مسلسل بدانها پاسخ میدادند.

در یکی از نقاطی که مابین خط روسها و آلمانها قرار گرفته بود چاه آبی وجود داشت که فاصله آن با چاههای دیگر چندین میل راه بود. هر شب تلاش برای تصرف چاه آب آغاز میکردید و نیروی فاتح آنچه در دست داشت از آب پر مینمود. آلمانها حتی اربابهای جنگی وزره پوشهای خود را بمخزن آب تبدیل مینمودند. سربازان آلمانی خود را بدیواری که در نزدیکی چاه قرار داشت نزدیک نمود و آنقدر به روشن کردن آتش ادامه میدادند تا کلیه مخازن خود را از آب مملو نمایند. دور و زوروسها بدون آب بسر بردند لکن مهندسین روسی سرانجام نقشه ای طرح نمودند و موقعیکه تاریکی شب فرا رسید و آلمانها بر حسب معمول با فروختن آتش و پرتاب شعله برای آشکار ساختن چاه و خط جبهه پرداختند پنج مهندس روسی از زمین واقع بین دو جبهه عبور نموده و نقشه خود را بمورد اجرا گذاردند. نیمه شب همینکه وسائل مأمور حمل آب، اربابها وزره پوشهای آلمانی بچاه نزدیک شدند و نخستین دلو را بچاه افکندند صدای انفجار شدیدی در فضا منعکس و اربابهای مخصوص حمل آب بپرتاب شد. مهندسین روسی که در چاه مین گذاری نموده بودند بسوی چاه حمله برده بزودی با اسرای آلمانی و مخازن پر از آب مراجعت نمودند.

در مقابل آتش آلمانها روسها هم بعمل متقابل پرداختند و با گلوله های آتشزا قسمتهای واقع در پشت سر آلمانها را طعمه آتش قرار دادند. سربازان آلمانی که در فاصله بیست و پنج میلی «استالینگراد» قرار گرفته بودند خود را از عقب مورد تهدید شعله آتش یافتند و دیواری از آتش راه عقب نشینی آنان را مسدود ساخت و همینکه با بفرار میکشیدند کلیه سلاحهای جنگی خود را ترك مینمودند. در قسمت شمالی شهر هم وضع بهمین منوال بود و پاسداران روسی برای حمله اعزام شدند. مقدار دود در این نقطه بحدی زیاد بود که روسها در موقع

حمله مجبور با استعمال ماسک ضد گاز گردیدند. آلمانها در اینموقع بطوری غافلگیر شده بودند که ارا بهای مقدم آنها کم شده و بیش از صد ارا به جنگی ازدست دادند. آتش آنچه را که در روی زمین وجود داشت تبدیل بغا کستر نمود و حتی یکدرخت یا یک برگ گیاه باقی نگذاشت لکن کمی دورتر توده عظیمی از آتش و دود نشان میداد که نبرد سختی در جریان است و اجساد خاکستر شده کشتگان حد منطقه جنگ را بخوبی مشخص مینمود. حرارت بدرجهای رسیده بود که سربازان لباسهای خود را از تن بیرون آورده بدون پوشش بجنگ میپرداختند. سربازان طرفین که لخت مشغول مبارزه بودند بیشتر شباهت بمردان ماقبل تاریخ داشتند که از غارهای خود بیرون جسته اند منتها با این تفاوت که اینها باتازه ترین سلاح های جنگی مسلح بودند.

پوست بدن سربازان بر اثر حرارت آتش سیاه و مجروح و چشمان آنها از کثرت دود قرمز و متورم و اغلب نابینا میشد. جنون و وحشت فوق العاده در این هنگامه بخشم آتش و ادوات جنگی افزوده و منظره را موحشر میساخت. در مقابل این مشکلات و در چنین وضع موحشی بود که روزنامه هامبورگ فرمدن بلات (۱)، در روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۴۲ نگاشت:

« ما با زامش در فاصله ۱۵ میلی استالینگراد، هستیم .»

با آنکه جنگ در این منطقه فقط سه هفته در جریان بود معینا بیالاترین درجه شدت و وحشت در سینه بود. کلیه مجاری جرایم معتقد بودند که این طرز جنگ بیش از این دوام نخواهد یافت و یکی از طرفین بالاخره از پای در خواهد آمد. تسلیم یکی از دو طرف آنها بزودی حتمی الوقوع بنظر میرسید لکن در روسها بهیچوجه آثار تسلیم هویدا نبود. روزنامهها و رادیوی آلمان لازم دیدند که اعتماد ملت را که راجع بمصرف استالینگراد، اندکی تزلزل یافته بود. دوباره مستحکم نمایند. ژفرال دیتمار (۲)، در ۲۸ سپتامبر در پشت رادیوی آلمان چنین گفت:

« جنگ با دولت شوروی مبارزه علیه بزرگترین نیروی است که در تاریخ بشر تا کنون سابقه نداشته است. بزانو در آوردن دشمن همانطوریکه

« او هم مصمم است ما را بزانو در آورد بدون شك یکی از مشکلترین عملیات ،
 « نظامی است . بیکار برای اخذ نتیجه نهائی بکنندی پیش میرود . هیچ ارتشی ،
 « در دنیا مانند ارتش روس قادر نیست که نتیجه نهائی را اینقدر بتأخیر اندازد ،
 « دلیل آنهم کثرت نفوس این کشور است لکن همانطوریکه تا کنون در کلیه ،
 « جنگها اراده و لیاقت ارتش آلمان بر طرف غلبه نموده در اینجا هم موفقیت ،
 « از آن ما خواهد بود .

پس از آنکه آلمانها موفق پیشروی گردیده و مقداری از زمین واقع
 در جلوی رود «ولگا» را اشغال نمودند گرفتار پیچ و خمها یا گردنه ها و معابری
 که شرح آن فوقاً داده شد و آنها را از «استالینگراد» دور میساخت گردیدند .
 در این قسمت از زمین جاده بهیچوجه وجود نداشت و فقط کوره راههای شنی از
 این معابر پیچ در پیچ عبور مینمود . پس از آنکه آلمانها به از بین بردن روس
 ها نیکه در گردنهها مشغول مقاومت بودند موفق میشدند تازه اراپهها ، توپها و
 نفرات آنها در نهایت سختی از این راههای باریک عبور مینمودند . نفرات ارتش
 سرخ قدم بقدم دفاع میکردند و سربازان روسی از زیر باران گلوله دشمن عبور
 نموده بمب بلولههای توپ آلمانی و یا نفت مشتعل بسوی اراپه های آنان پرتاب
 مینمودند . گاه اتفاق می افتاد که سه یا چهار نفر سرباز روسی از کمینگاه خارج
 شده و با پارابلوم بدشمن آنقدر حمله مینمودند که سرانجام هدف آتش مسلسل
 قرار میگرفتند و گاه باد خاوری بر خاسته توده های شن بطرف نیروی مهاجم
 پرتاب مینمود .

روزنامه های آلمانی هم آهنگ شده و در باره تصرف «استالینگراد» تا کید
 مینمودند . «هامبور» که فرمان بلات ، چنین مینگارد :

«استالینگراد باید تصرف شود . شرافت هر سرباز آلمانی بسته بسقوط ،
 «استالینگراد است» . لکن هیچیک از این روزنامهها از نهائی که باید برای تصرف
 این شهر بپردازند سخن نمیکفتند .

بالاخره آلمانها بقسمتهای خارجی شهر که در آنجا رزم موخس و سخت
 دیگری در انتظار آنان بود رسیدند . روسها در هر کوجه ، هر خیابان و هر
 گوشه ای از شهر مین گذاری نموده بودند . دام برای کیر انداختن اراپهها در هر

پیچی گسترده شده بود. دیوار هائی که طبیعی بنظر میرسید شعله های آتش بسوی نیروی مهاجم پرتاب میکرد. داوطلبان مرگ دو بدو در پشت تفنگهای ضد ارابه خود قرار گرفته و پنهان میشدند تا بتوانند زره آنطرف ارابه دشمن را که نازک و آسیب پذیر بود سوراخ کنند. اینها مردان جسور و متهوری بودند که اغلب در زیر ارابه های دشمن خرد و معدوم میشدند. با این وصف آلمانیها از آن میترسیدند که مبادا در زیر هر سنگی دو تن از این داوطلبان مرگ خفته باشند.

هر قدر که نیروی مهاجم بیشتر پیشروی مینمود تل خاک و خرابه بیشتر میشد. در یکطرف یکی از خیابانها انبار چهاراشکوبه ای وجود داشت که روسها در طبقه فوقانی آن قرار گرفته و آلمانیها تیرا که در این طرف خیابان و حتی در نقاط دور بودند هدف تیر قرار میدادند. توپخانه آلمانی فوراً متوجه بنا گردیده و طبقه فوقانی آنرا خراب نمود. آلمانیها به پیشروی پرداختند لکن باز هم هدف آتشی که این بار از طبقه دوم متوجه آنان بود قرار گرفتند. بار دیگر آلمانیها استمداد طلبیدند بالاخره اشتوگانه های آلمانی بعمل پرداختند و بنای نامبرده را نه تنها خراب بلکه طعمه آتش ساختند. سپس گروهان حمله آلمانی با فریادهای شادی بسوی تل خاک هجوم آورد لکن بیکایک افراد آن در مقابل گلوله مسلسلهائی که در زیر زمین این بنا بکار گذاشته شده و تا آنه وقع آسیبی ندیده بودند جان دادند.

رتال جامع علوم انسانی

در طرف دیگر همین خیابان روسها مشغول دفاع از بنائی نظیر بنای مذکور بودند. در پس پرده ای از دود آلمانیها موفق شدند که خود را بپای دیوار طبقه اول این بنا برسانند. در حالیکه نفرات مقدم آنان هدف مسلسل قرار گرفته بودند و بار جود تلفات زیاد فقط برای اخذ انتقام بحمله ادامه میدادند. از در و پنجره بنا آلمانیها خود را بدرون عمارت افکندند و چون روسها از نقطه نظر تعداد کمتر بودند لذا بطبقه دوم عقب نشینی کردند. زدو خورد سخت و وحشی در پله های این عمارت در جریان بود. در اطرافها از پاشنه کنده شده و سنگر مسلسل را تشکیل

میداد. مبلها از بالا بر سر آلمانی‌هایی که دریائین قرار داشتند پرتاب میشد. سپس یار دیگر پیکار در طبقه دوم عمارت آغاز گردید و روسها بطبقه سوم عقب‌نشینی کردند. در اینجا هم زدو خورد سختی بین مردانی که بحال سبعیت بشر اولیه درآمد بودند بوقوع پیوست. پیکار همینطور از يك طبقه بطبقه دیگر سرایت نمود تا اینکه روسها بهشت بام عمارت رسیدند و از بالا بآلمانی‌هایی که دریائین قرار داشتند حمله مینمودند. در اینموقع بغتة آهنک انفجار موحشی برخاست. دیوارها درهم ریخت و پس از چند لحظه از میان ابر غلیظ گرد و خاک تل خرابه‌ای که در زیر آن دسته‌ای از سربازان آلمانی و روسی دفن شده بودند دیده میشد. ظاهرآ چند سرباز مهندس روسی مخفیانه ماده منفجره‌ای در پای عمارت گذارده و بدین ترتیب بنائی را که عده‌ای سرباز آلمانی و چند سرباز روسی در بالای آن مشغول پیکار بودند منهدم ساختند.

در قسمت دیگری از همین خیابان آلمانها عمارت دیگری را متصرف و آنرا مستحکم ساخته بودند. روسها بخرابه‌ای که در نزدیکی آن قرار داشت دست یافته و خود را بقسمت فوقانی عمارت رساندند. سپس زد و خورد در طبقات بنا آغاز گردید. روسها از بالا روغن مشتعل بر سر آلمانها میریختند و آلمانها بوسیله گلوله‌های آتش‌زا کوشش مینمودند دشمن خود را از پای در آورند. بالاخره سراسر بنا گرفتار آتش شد. روسها در بالای عمارت در حال پرتاب آخرین گلوله‌های خود بطرف آلمان‌هایی که در میان شعله آتش فرار اختیار مینمودند در میان حریق جان دادند.

در ضمن این کشمکش و فداکاری بود که روسها اعلام میداشتند: در يك

نقطه از شهر ما مختصر عقب‌نشینی نمودیم.

هر حادثه کوچک نظیر حوادث مذکور در بالا ممکن بود یکروز وقت طرفین را اشغال نماید و هر چه جنگ پیش میرفت و آلمانها برای بدست آوردن حتی یکوجب جا ناگزیر بیپیکار میشدند موافقت آنان تقلیل مییافت بحدی که دیگر آرايه‌های آلمانی در میان اینهمه خرابه که ممکن بود هزار گونه دام در خود پنهان داشته باشد کاملاً بی‌فایده بنظر میرسید زیرا در پس دیوارهای ابنیه مخروبه ممکن بود دو نفر از داوطلبان مرگ، باتفنگهای ضد آرايه در کمین نشسته

باشند. ارايه های آلمانی مجبور بودند که از ميدان نبرد كناره گيري نمايند. آنها ديگر در رأس نيروی حمله كننده قرار نميگرفتند بلكه بروش جنگ ۱۹۱۷ در پشت پياده نظام و مهندسين حر كت ميگردند. تنها يكمده كارگر ناچيز استالينگراد، موجب فلج شدن و از كارافتادن اين آلات جنگي موخس شده بودند. اغلب، اشتوكاهای، آلمانی در كرد و خاك و دود و شعله آتش نابينا ميشدند. توپهای دور زن نميتوانست وارد ميدان كارزار شود زيرا حد فاصل نيروی دوست و دشمن معلوم نبود. نبرد حقيقه باز گشت بروش جنگ اوليه بشري بود فقط با اين تفاوت كه افراد آن با جديد ترين سلاحهای جنگي مسلح بودند.

نا تمام

